خبرنگار «فرهیختگان» از اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم درباره فیلم و کتاب و... چند سوال پرسید

یک گفت‌وگوی ناامیدکننده

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

دم دمای انتخابات مجلس، کاندیداها در تبلیغ هایشان از وعده‌هایشان می‌گویند، از درست کردن وضع معیشتی تا راه انداختن کارخانه‌ای که سال‌هاست در شهرشان تعطیل شده است. اما اگر به این وعده‌ها و قول‌ها دقت کنید، خیلی کم از دغدغه‌های فرهنگی می‌شنویم. نمایندگان مجلس برای کمک به مردم به مجلس می‌روند برای اینکه حال بهتری ایجاد کنند و در کنار این حال بهتر، مشکلات‌شان را بشنوند و برای حل آن چاره‌ای بیندیشند. اما به غیر از رفع مشکلات و نگاه دقیق به مسائل معیشتی مردم، نمایندگان مجلس باید به مسائل و ظرفیت‌های حوزه فرهنگ که همچون اتمسفری است که جامعه در آن نفس می‌کشد، نیز آگاه باشند. در صفحه امروز به کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم پرداختیم. کمیسیونی که معمولا دیرتر از کمیسیون‌های دیگر تشکیل می‌شود؛ چون اولویت نمایندگان، حوزه‌های دیگر و کمیسیون‌های دیگر مجلس است. برای تحلیل این مساله هم فاکتورها و دلایل زیادی وجود دارد. این بار سراغ نمایندگان دوره جدید مجلس رفتیم که در این کمیسیون فعالیت می‌کنند و از آنها در مورد برنامه‌های فرهنگی و اهداف‌شان پرسیدیم.

کمیسیون فرهنگی اولویت دومم بود

حسین میرزایی، نماینده مردم استان اصفهان است. حوزوی و به گفته خودش علاقه‌مند به کارهای فرهنگی است. مدیر مدرسه علمیه بوده. با همان زنگ اول، گوشی را برمی‌دارد و وقتی خودم را معرفی می‌کنم و علت تلفن کردن را می‌گویم، از مصاحبه در این موضوع استقبال می‌کند. می‌گویم چرا کمیسیون فرهنگی را برای فعالیت در مجلس انتخاب کردید و در جواب می‌گوید: «بنده با توجه به سوابق اجرایی و مدیریتی که داشتم ازجمله تحصیل و تدریس و همین‌طور روحانی بودنم، حضور و فعالیت در این کمیسیون را انتخاب کردم.»

میرزایی با تایید اثرگذاری کمیسیون فرهنگی بر فضای فرهنگی کشور می‌گوید: «فرهنگ از آن دست مقوله‌هایی است که در همه بخش‌های کشور، ازجمله بخش‌های اقتصادی، سیاسی و حتی بهداشت و درمان، کشاورزی و صنعت و به‌طور کل در همه چیز تاثیر دارد. بنابراین اگر کسی به این رویکرد توجه داشته باشد متوجه می‌شود که از جهت رتبه‌بندی، کمیسیون فرهنگی از مهم‌ترین کمیسیون‌ها در مجلس است و می‌تواند اثرگذاری مهمی در فضاهای فرهنگی کشور داشته باشد. رهبری هم در پیام افتتاحیه مجلس فرمودند، پس از اقتصاد، فرهنگ باید اولویت کاری مجلس باشد. بنابراین اگر نگاه درستی به فرهنگ داشته باشیم، متوجه می‌شویم که اثرگذارترین بخش در همه بخش‌های کشور، حوزه مسائل فرهنگی است.»

وقتی صحبت‌هایش به اینجا می‌رسد از اولویتش در انتخاب کمیسیون‌ها می‌پرسم و می‌گوید: «ما در استان‌مان یک‌سری مسائل دیگر داشتیم که آن مسائل برای استان ما بسیار جدی بود. اولویت اول برای من مساله آب استان اصفهان بود و انتخاب این کمیسیون به نوبه خود به ضرورتی که در استان‌مان داشتیم، کمیسیون فرهنگی نبود. اما از همان ایام تبلیغات و بعد از انتخاب شدن در مجلس یازدهم، ایده اصلی‌ام حضور در کمیسیون فرهنگی یا کمیسیون آموزش و تحقیقات بود. اما ضرورتی که در استان وجود داشت، انتخاب اولم را چیز دیگری قرار داده و نهایتا در کمیسیون فرهنگی مشغول به کار شدم.»

حضور در کمیسیون فرهنگی مستلزم رصد این حوزه است، برای همین سوال آخر را در مورد آخرین کتابی که خوانده است و آخرین فیلمی که دیده، می‌گذارم. مکثی می‌کند و می‌گوید: «من آخرین کتابی که خواندم قرآن است. همین چند ساعت پیش قرآن خواندم و خیلی اهل کتاب‌های این‌جوری نیستم. بیشتر قرآن می‌خوانم. همچنین روز گذشته کتاب قانون بودجه ۹۹ را مطالعه کردم. آخرین فیلمی که دیده‌ام راهم باید بگویم؟!» تایید می‌کنم و می‌گویند: «آخرین فیلمی که دیدم دیشب بود، اما اسمش را نمی‌گویم.»

«زندانی‌ها» آخرین فیلمی است که دیدم

احمد راستینه‌هشجانی، نماینده شهرکرد است و دکترای علوم سیاسی دارد، اما مسائل فرهنگی برایش مهم است. سوال اول را با اولویت‌بندی در انتخاب کمیسیون‌ها و چرایی انتخاب این کمیسیون شروع می‌کنم و می‌گوید: «در پیام رهبری برای آغاز به کار مجلس یازدهم، دو مساله وجود داشت که ایشان به‌عنوان دو مساله اصلی کشور عنوان کردند. مساله اقتصاد و مساله فرهنگ. بسیاری از مسائل اقتصادی امروز جامعه‌مان هم ریشه در مسائل فرهنگی دارد، به عبارتی فرهنگ با توجه به اینکه هویتی است برای تنفس کردن و سنتری است برای شکل‌گیری روابط صحیح اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بین تمام افراد یک جامعه، بسیار حائز اهمیت است. کمیسیون فرهنگی نقش بسیار مهم در ارتباط با چهار وزارتخانه و سازمان صداوسیما و سایر سازمان‌های فرهنگی می‌تواند ایفا کند. موضوعات مهمی همچون خانواده، ورزش‌وجوانان، گردشگری، آموزش‌وپرورش و صداوسیما مباحث بسیار مهمی است که کمیسیون فرهنگی می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح و با حرکت به سمت طرح‌ها و قوانین از بسترهای سالم فرهنگی جامعه حمایت کند. یکی از مهم‌ترین موضوعات فرهنگی جامعه، مساله خانواده و جمعیت است که متاسفانه در کوران مسائل اقتصادی و سیاسی مغفول مانده است و امروزه خانواده به‌عنوان یک رکن حیاتی جامعه، مورد غفلت واقع شده است. مساله جمعیت یک مساله بسیار مهم است که متاسفانه سال گذشته میزان موالید ما نسبت به سال ۹۷، ۱۷۰ هزار نفر کاهش داشته است و این مساله نشانه خطر جدی در حرکت به سمت یک جامعه کهنسال و پیر و فرسوده است. لذا اقتضا می‌کند که کمیسیون فرهنگی روی این مساله به‌صورت جدی و ویژه با یک برنامه مشخص ورود کند و آن را به یک سرانجامی برساند.»

راستینه‌هشجانی در بخشی دیگری از صحبت‌هایش به مساله فضای مجازی هم اشاره کرد و گفت: «مساله دیگری که باید در فضای فرهنگی امروز کشور مورد بررسی قرار داد؛ مساله فضای مجازی است، این فضا به‌قدری اهمیت دارد که رهبری در سخنرانی‌شان فرمودند که اگر من رهبر انقلاب نبودم، مسئولیت فضای مجازی کشور را به‌عهده می‌گرفتم. امروز متاسفانه فضای مجازی کشور ما که باید بستر مهمی برای تبادلات سالم فرهنگی، رفتاری و اخلاقی باشد و همچنین یک بستر مهمی برای شبکه‌سازی دولت الکترونیک باشد، متاسفانه یک‌سوم پهنای باند اینترنت کشور را در اختیار یک پیام‌رسان خارجی قرار داده است که به هیچ‌وجه به مباحث دینی، فرهنگی و اخلاقی پایبند نیست. لذا سازماندهی شبکه اینترنت ملی و همچنین شبکه پیام‌رسان‌های خارجی یکی دیگر از اولویت‌هایی است که باید به آن پرداخته شود. جمیع این مباحث هر فرد دغدغه‌مندی را در عرصه فرهنگی به این می‌رساند که کمیسیون فرهنگی مجلس را به‌عنوان یکی از جایگاه‌های مهم و تاثیرگذار بخش فرهنگی کشور مورد توجه قرار بدهد برای همین کمیسیون فرهنگی را با این نگاتی که عرض کردم انتخاب کردم. این کمیسیون اولویت اول من بود.»

از راستینه‌هشجانی در مورد حضورش در عرصه‌های فرهنگی که این روزها جوان‌ها با آن درگیر هستند سوال می‌کنم. اینکه چقدر این فضا توسط نمایندگان مجلس رصد می‌شود. او می‌گوید: «مجموعه مباحث حوزه فرهنگی بسیار گسترده است. من فقط به بخشی از آنها اشاره کردم و دلایل اهمیت این کمیسیون را شرح دادم وگرنه حوزه سینما و تئاتر یک مجموعه مباحث بسیار گرفتار دارد. مثلا سینمای ما به‌جای حرکت به سمت یک سینمای مبتنی بر فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی و با افق و چشم‌انداز حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی باید بیاید فعال شود؛ اما متاسفانه امروز گرفتار حواشی است و نتوانسته درست این نقش مهم را ایفا کند. مثلا حوزه تئاتر، یکی از مسائل مهم فرهنگی ماست که اوجش را در شبیه‌خوانی و تعزیه از خیلی سال قبل تا به امروز شاهد هستیم. باید به حوزه تئاتر نگاه جدی‌تری داشته باشیم. مساله کتاب و افزایش سرانه مطالعاتی در کشور باید یک اتفاق مهم را رقم بزند یا حوزه حجاب و عفاف و مباحث اجتماعی که امروز به آن روبه‌رو هستیم خیلی مساله مهمی است. مباحث مربوط به خانواده و افزایش طلاق از آسیب‌های جدی این حوزه است و باید برایش یک برنامه‌ریزی درست انجام شود. در حوزه ورزش در همین یکی دو هفته با چه قراردادهای نامالمی روبه‌رو بودیم که متاسفانه همچنان در حال اتفاق افتادن است.»

به‌عنوان سوال آخر، از آخرین کتابی که خوانده و آخرین فیلمی که دیده است می‌پرسم و می‌گوید: «آخرین کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن به قلم مقام معظم رهبری بود که مجموعه سخنرانی‌های ایشان در سال ۵۲ در مشهد است. «قبل از جواب دادن در مورد آخرین فیلمی که دیده است از کسانی که کنارش بودند، سوالی کرد و گفت: «آخرین فیلم سینمایی که دیدم فیلم زندانی‌ها به کارگردانی مسعود ده‌نمکی بود.»

به جای فیلم، اخبار می‌بینم

حسین جلالی، نماینده شهرستان رفسنجان و انار است و دکترای حوزوی دارد. وقتی می‌پرسم چرا این کمیسیون را برای فعالیت در مجلس یازدهم انتخاب کرده است، می‌گوید: «با توجه به اینکه سبقه فرهنگی داشتم و رشته تحصیلی‌ام هم مرتبط با این موضوع بود متناسب‌ترین کمیسیونی که می‌توانستم انتخاب کنم، کمیسیون فرهنگی بود.»

می‌پرسم معمولا کمیسیون فرهنگی، آخرین کمیسیونی است که اعضای آن مشخص می‌شوند و خیلی‌ها تمایلی به حضور در این کمیسیون ندارند. علت این مساله را چه چیزی می‌دانید؟ می‌گوید: «مساله فرهنگ هم است. رهبری هم بر این مساله همیشه تاکید دارند و زیربنای همه مسائل، فرهنگ است اما ممکن است شرایطی پیش بیاید که ما رویکردمان را تغییر دهیم و مسائل اقتصادی و معیشتی مردم را در اولویت قرار دهیم. اگر شرایط عادی بود، بعید می‌دانم که نماینده‌ها انتخاب‌شان این‌طور بود که فرهنگ آخرین مرحله باشد. ببینید هیچ‌وقت آمپول زدن در بین مردم به‌طور معمول اصالت ندارد اما وقتی فردی بیمار می‌شود؛ باید آن را در اولویت قرار دهیم. وقتی اقتصاد ما بیمار است ناخودآگاه اقتصاد در اولویت قرار می‌گیرد. مردم هم وقتی نماینده‌شان را انتخاب می‌کنند اولین تقاضایشان بحث رفاه و معیشت است. بنابراین نماینده‌ها قصد سوبی ندارند. من می‌دانم که فرهنگ بسیار مظلوم است، اما مسائل اقتصادی فعلا در اولویت قرار دارد. البته این را می‌دانیم که تا فرهنگ ما اصلاح نشود، مسائل دیگرمان درست نخواهد شد.»

از دغدغه‌هایش در حوزه فرهنگی می‌پرسم و می‌گوید: «مساله خانواده برای من جدی است و حتما در مورد این موضوع فعالیت انجام خواهم داد. مساله بعدی بحث جمعیت است. جمعیت ما به سمت پیر شدن می‌رود. باید برای فرزندآوری و فرزندپروری برنامه داشته باشیم. اینها خیلی مسائل مهمی است. مساله دیگر بحث فضای مجازی و سامان‌بخشی به این فضاست. بحث اینترنت ملی است. اینکه در پیام‌رسان‌ها چرا باید از پیام‌رسان‌های خارجی استفاده کنیم؟ چرا باید پهنای باند اینترنت‌مان در اختیار دشمن باشد. ما خودمان می‌توانیم از این موضوع استفاده کنیم.»

صحبت‌هایش که به اینجا می‌رسد، می‌گویم: «مطمئنا فضای مجازی مهم است. آیا شما راه‌حلی که برای مسائل فضای مجازی درنظر گرفتید، فیلتر کردن برخی از همین شبکه‌های مجازی خارجی است؟» سریع جواب می‌دهد و می‌گوید: «نه، بحث ما اصلا سلبی نیست. اتفاقا در مورد ایجابی شدن صحبت می‌کنیم. می‌گوییم چرا این امکانات و فضا که دیگران از آن استفاده می‌کنند، خودمان استفاده نکنیم. ببینید وزیر ارتباطات می‌گوید من اتوبان ۶ بانده‌ای برای شما درست کردم و بیاید در این اتوبان حرکت کنید. اما به من دوچرخه داده است و به آن خارجی، ماشین خارجی. مشخص است که او می‌تواند از این امکانات بیشترین استفاده را ببرد و من نمی‌توانم. حرف‌مان این است که چرا از این امکانات‌مان استفاده نمی‌کنیم. از شبکه‌های پیام‌رسان داخلی حمایت نمی‌شود، باید زیرساخت‌های آنها آماده شود.»

از او هم در مورد آخرین کتابی که خوانده است و همچنین آخرین فیلمی که دیده است می‌پرسم و می‌گوید: «در حوزه انتخابیه‌ام هستم و مراجعه‌کننده زیاد دارم. خیلی نمی‌توانم پاسخ بدهم. من حقیقتا از دیدن فیلم معذورم چون از صبح تا شب، یا در مجلس هستم یا در حوزه انتخابیه. فقط اگر فرصت کنم اخبار گوش می‌دهم. بیشتر هم طرفدار کتاب‌های ساندویچی هستم. «سه روز در قیامت» آخرین کتابی است که خوانده‌ام. اتفاقا ۵۰۰ جلد از این کتاب را گرفتم و هدیه دادم.»

انتخابم کمیسیون فرهنگی نیست

سیدمجتبی محفوظی، نماینده آبادان است. دکترا دارد. اسمش در لیست کمیسیون فرهنگی است اما وقتی از حضورش در این کمیسیون می‌پرسم، می‌گوید: «من حق دارم که کمیسیونم را خودم انتخاب کنم و انتخابم کمیسیون فرهنگی نبوده است. به این کاری که دوستانم انجام دادند و اسمم را در این کمیسیون قرار دادند، اعتراض دارم. من خودم را عضو این کمیسیون نمی‌دانم. از شما می‌خواهم که این موضوع را خبری کنید. در اولویت‌های من اصلا کمیسیون فرهنگی نبوده است. نه اولویت اول، نه حتی اولویت دهم. من در کمیسیون انرژی مجلس حضور دارم.»

تورق کتابی با موضوع شهید سلیمانی

مجید نصیرایی، نماینده فردوس و طبس است و مدیر حوزه‌های علمیه استان‌شان بوده. او در مورد حضورش در کمیسیون فرهنگی مجلس می‌گوید: «طبیعی است که یک‌سری از فعالیت‌های انتخاباتی من در همین حوزه فرهنگی بوده است. چون سابقه حوزه هم دارم و معتقدم ریشه بسیاری از مسائل ما در جامعه، همین مسائل فرهنگی است. مدیریت هایمان در عرصه‌های مختلف که مردم گرفتارند و بعضا گلایه دارند، ریشه‌اش را که نگاه می‌کنیم عمده‌اش همین مسائل فرهنگی و اعتقادی است.»

وقتی از اولویت‌های انتخابش برای کمیسیون‌ها می‌پرسم، می‌گوید: «من سه اولویت برای خودم از همان روزهای اول انتخاب کردم. مشورت‌هایی هم با برخی دوستان و مشاوران هم داشتم. به این نتیجه رسیدم که کمیسیون‌های فرهنگی، اجتماعی و اصل ۹۰ را برای خودم انتخاب کنم.» او در مورد اینکه چه مسائلی برای ارتقای فرهنگ، مدنظرش است، می‌گوید: «جلسه اول کمیسیون در هفته گذشته شکل گرفت و ما در همان جلسه، یک سری از مسائل را بررسی کردیم و دو سه محور به‌عنوان اصل و اولویت کمیسیون قرار گرفت. فکر می‌کنیم که بعد از گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی و با شروع گام دوم انقلاب، یک آرایش جدید و یک تعریف نو متناسب با گام دوم و نهادهای فرهنگی کشور لازم داریم. چون یک خلأیی را احساس می‌کنیم. یک موازی کاری‌هایی فرهنگی در کشور وجود دارد. یک سری نارسایی‌ها در کشور را شاهد هستیم. باید از تجربیات این ۴۰ ساله استفاده کنیم و یک آرایش جدید برای دستگاه‌های فرهنگی شکل دهیم. در چنین مختصاتی عمل‌ا باید ماموریت‌های جدیدی برای برخی نهادها تعریف شود.»

نصیرایی در مورد دغدغه‌های این دوره مجلس برای ورود به مسائل فرهنگی می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین مسائل امروز در حوزه فرهنگ، فضای مجازی است که با ارائه محتوا باید وضعیت این فضا اصلاح شود. البته این موضوع کمیسیون‌های دیگر را هم درگیر خواهد کرد. مساله دیگر، مساله خانواده و جمعیت است. اینها مسائلی است که باید به آنها بپردازیم. البته ما در چند جلسه اول، باید سعی کنیم از نخبگان هر حوزه دعوت کنیم. تا آنها را متوجه کنیم که قانون در حوزه‌های مختلف وضع کنیم. البته این کارها قرار بگیریم. البته باید انتظاراتشان را هم بشناسیم. ضعف‌ها را بررسی کنیم. قرار شد تا این باب در کمیسیون بسته نباشد. یک نمونه‌اش بحث فعالیت‌های قرآنی در کشور است، که باید فعالان قرآنی را رصد کنیم.»

در مورد چگونگی نظارت و رصد نمایندگان مجلس بر موضوعات فرهنگی می‌پرسم و میرزایی در این باره می‌گوید: «ما در این دوره خیلی تلاش دنبال این باشیم که قانون در حوزه‌های مختلف وضع کنیم. البته این یک موضوع اولیه است. اما مساله مهم نظارت است که ما در این حوزه ضعف جدی داریم. نظارت به معنای مع‌گیری نیست. حسن اجرا مدنظر ماست. بیاییم نظارت کنیم که قانونی که وضع شده، چطور اجرا شده و این مساله خیلی مهم است. این از آن دست مواردی است که کمتر به آن توجه شده است. ما شاید خیلی قانون در حوزه‌های مختلف داشته باشیم. اما نیاز به یک نظارت مستمر داریم.» از نصیرایی در مورد آخرین فیلمی که دیده و همچنین آخرین کتابی که خوانده است، می‌پرسم و او می‌گوید: «یک کتاب در مورد شهید سلیمانی تورق کردم. یک کتاب در مورد حوزه انتخابیه‌ام بوده است. آخرین فیلم را هم همین چند وقت قبل با خانواده دیدم که «به وقت شام» ابراهیم حاتمی کیا بود.»

پایتخت آخرین فیلمی است که دیدم

جواد نیک‌بین، نماینده کاشمر، بردسکن و خلیل‌آباد است و تحصیلات حوزوی دارد. در مورد چرایی حضورش در کمیسیون فرهنگی می‌گوید: «من کمیسیون فرهنگی را برای این انتخاب کردم که اولا؛ تخصص بنده مباحث فرهنگی و اجتماعی است، دوما؛ نیاز فعلی کشور به مباحث فرهنگی و اقتصادی است و فرهنگ است که اقتصاد و سیاست را درست می‌کند. دروافع فرهنگ، جهت‌دهی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی می‌دهد و فکر می‌کنم که کارهای زمین‌مانده در مسائل فرهنگی زیاد داریم.» نیک‌بین حرف‌هایش را این‌طور ادامه می‌دهد: «نکته بعدی در عرصه فرهنگ، این است که ما موازی کاری زیاد داریم. ما به این کمیسیون آمدیم تا جلوی این موازی کاری‌ها را بگیریم و متولی اصلی مباحث فرهنگی را در کشور مشخص کنیم.» سوال بعدی را در مورد اهداف کمیسیون می‌پرسم و او در این‌باره می‌گوید: «برای اقدام اول باید نقشه راهی تهیه کنیم که ما در این چهار سال در کجا قرار گرفتیم و به کجا می‌خواهیم برسیم؛ چون تا نقشه‌راه نداشته باشیم نمی‌دانیم که در کجا قرار داریم. نکته بعدی این است که باید مباحث اقتصاد و فرهنگ را در اولویت کارهای کمیسیون فرهنگی قرار دهیم. مباحثی که با معیشت مردم سروکار دارد، حتی لامکان در کمیسیون فرهنگی باید در اولویت قرار بگیرد.» و سوال آخرم هم از او در مورد آخرین کتابی است که خوانده و همچنین آخرین فیلمی که دیده است و او در این‌باره گفت: «آخرین کتابی که خواندم تفسیر قرآن در نگاه امام(ره) بود که جلد دومش را تمام کردم و شب گذشته هم مثنوی مولوی را به پایان رساندم. خیلی اهل فیلم دیدن نیستم و آخرین فیلمی که دیدم سریال تلویزیونی پایتخت در ایام نوروز بود.»

فرهنگ زیر ذره‌بین

ادامه از صفحه ۱۲

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

تعارف را اگر کنار بگذاریم، کمیسیون فرهنگی، یکی از مظلوم‌ترین کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی است. از چند سال پیش به این طرف، میزان مصرف محصولات فرهنگی توسط اعضای این کمیسیون، سوژه خیلی از رسانه‌ها شده، آخرین کتابی که خواندید، آخرین فیلمی که دیدید، آخرین موسیقی‌ای که شنیدید؛ چه بوده است؟ آنها به‌طور کلی حتی از یک اُدم کاملا معمولی که نسبتی حرفه‌ای با حوزه فرهنگ ندارد، در این زمینه‌ها عقب‌تر هستند. شاید به همین دلیل است که تسلط دولت‌ها بر عرصه فرهنگ تا این حد بالاست و از آنجا که دولت‌ها هر چهار سال و نهایتا هشت سال یک‌بار عوض می‌شوند، ساختار فرهنگی کشور هم نکانه‌های جدی می‌خورد و هیچ‌وقت در هیچ زمینه‌ای پیشرفت یا اصلاح مداومی نداشته است؛ به همین دلیل که مجلس چندان کاری به کار فرهنگ ندارد. نهایت فعالیتی که مجلس نهم، در حوزه فرهنگی انجام داد و به جرم آمد، مخالفت با خشونت یکی از فیلم‌های سینمایی و نتیجتا قهرمان ساختن از کارگردان آن فیلم بود و مجلس دهم یک‌بار وزیر فرهنگ را به دلیل ورود پول‌های مشکوک به سینما فراخواند که با پاسخ متهورانه وزیر و انفعال مجلس، از آن پس صاحبان سرمایه‌های مشکوک، با گردن افراشته و جسارت بیشتر از قبل در فضا حاضر شدند. کمیسیون فرهنگی مجلس نهم که امید است مجلس یازدهم به آن شباهت نداشته باشد، به جز ممیزی و سنگخوری در یک‌سری مسائل به‌خصوص، چیزی بلد نبود. مجلس بعدی هم از لحاظ فرهنگی کاملا منفعل عمل کرد. شاید کسانی که در کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم هستند، بنابه خواسته خودشان از اینجا سر درنیاورده باشند. شاید کمیسیون فرهنگی اولویت اول یا حتی دوم و سوم آنها نبوده، شاید تا به حال اهل فیلم دیدن، کتاب خواندن، تماشای تئاتر و... نبوده‌اند؛ اما هنوز در نیست. یعنی دیر که هست ولی شاید خیلی نیست! آنها حالا که در مجلس هستند و عضو کمیسیون فرهنگی، وظیفه دارند که با این حوزه آشنا شوند و فعالیت‌هایی مدبرانه در آن انجام بدهند. از مشورت دیگران استفاده کنند و رفتارهای دلسوزانه و هوشمندانه‌ای در این حوزه داشته باشند، هم با مردم و مصرف‌کنندگان محصولات فرهنگی تعامل کنند و هم با تولیدکنندگان آنها، هم ببینند که مردم چه می‌خواهند و هم با دغدغه‌ها و مسائل تولیدکنندگان محصولات فرهنگی آشنا شوند. باید به آنها گفت شاید به دلخواه خودتان به این کمیسیون نیامده‌اید، اما حالا که آمده‌اید، لطفا دل بدهید. این وظیفه شماست. در ادامه، چند نکته‌ای که در حوزه فرهنگی، باید توجه مجلس محترم شورای اسلامی به آن جلب شود، آورده شده‌اند و البته خود این بزرگواران و مردم عزیز حتما می‌دانند که این مساله وسعتی بیش از اینها دارد و نیازمند دقت و همت فراوان و مداوم است.

نبود ظرافت و تدبیر در برخورد با فضای مجازی

پدیده شبکه‌های اجتماعی یک مساله جدید و نوظهور در ایران به حساب می‌آید و نوع برخوردها با آن شاید هنوز به بلوغ و پختگی کامل نرسیده است. باید توجه کرد که هر نرم‌افزار یا پیام‌رسان اجتماعی، غیر از امکانات و سرعتی که دارد، در طراحی خود هم ویژگی‌های خاصی را قرار داده است. مثلا اینستاگرام یک نرم‌افزار تصویرمحور است و لاجرم فضا را به‌سمت گلچین شدن بخش‌های لوکس و اصطلاحا لاکچری زندگی می‌برد؛ درحالی که بعضی نرم‌افزارهای دیگر مثل توئیتر و فیسبوک و... چون متن‌محور هستند، در آنها فضای دیگری وجود دارد. درنتیجه در اینستاگرام سلبریتی‌ها یا افرادی که به شاخ‌های مجازی معروف هستند، بیشترین تعداد دنبال کنندگان را دارند و مطرح‌ترین افراد هستند. اما مثلا در فیسبوک، زمانی که در ایران رواج بیشتری داشت، به‌رغم حضور ستاره‌های بازیگری و خوانندگی و... مطرح‌ترین افراد نویسنده‌ها و مترجمان و روزنامه‌نگاران بودند. در ایران تمام شبکه‌های اجتماعی فیلتر هستند و فقط اینستاگرام آزاد است. این یک فضاسازی دوبینگ‌وار برای سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی و دادن مرجعیت اجتماعی به آنها برای تعیین سبک زندگی است، شاید چنین کاری را بشود همراستا با سیاست مدیران اجرایی کشور دانست؛ اما درمقابل این مدیران، افراد جناح مقابل هم از به خرج دادن هر نوع ظرافتی در برخورد با قضیه پرهیز کرده‌اند و در سه نوع موضع‌گیری و واکنش قابل پیش‌بینی؛ یا می‌گویند که باید همه‌چیز فیلتر شود یا می‌گویند باید نمونه ایرانی این نرم‌افزارها را ساخت (که مثلا نمونه ایرانی اینستاگرام هم همان سبک زندگی را ترویج خواهد داد و همان تیپ آدم‌های سابق را قهرمان خودش می‌کند) و یا در بهترین حالت، برای نشان دادن سعه‌صدرشان می‌گویند که به وضعیت دست نزنیم و اجازه بدهیم همین‌طور بماند. شاید جناحی که مدیران اجرایی کشور به آن تعلق دارند، روی این نوع برخورد جناح رقیب‌شان که خالی از ظرافت است، حساب کرده‌اند و برنامه‌ریزی‌ها برای مهندسی فضای شبکه‌های اجتماعی را پیش می‌برند. مثلا نرم‌افزار لاین که ژاپنی است، بدون هیچ دلیل موجهی فیلتر می‌شود؛ چون متن‌محور است و رقیبی جدی برای اینستاگرام محسوب می‌شود. اما اینستاگرام که مدیر آن رسما شهروند رژیم صهیونیستی است و صفحه سردارآن سپاه پاسداران را در اینستاگرام بست یا به‌محض استفاده از عبارت «حاج‌قاسم سلیمانی»، یک پست یا یک صفحه را حذف می‌کند، همچنان باز است. مهندسان اجرایی فضای شبکه‌های اجتماعی در ایران، می‌دانند که گروه رقیب‌شان به هیچ‌وجه، هیچ‌وقت به بسته شدن نرم‌افزاری مثل لاین و هر نرم‌افزار دیگری اعتراض نخواهند کرد. ظاهرا آنها به‌طور کلی طرفدار بسته شدن هستند؛ هرچند این بسته شدن در مواردی مثل وی‌چت و لاین و... باعث شود که در بازه زمانی دیگری، نشود حرف از فیلترینگ اینستاگرام به‌رغم دشمنی‌های علنی‌اش با جمهوری اسلامی زد؛ چون جایگزینی ندارد. موضع‌گیری دربرابر فضای مجازی تا وقتی در این دو جمله خلاصه می‌شود که «یا بیندید یا ایرانی‌اش را بسازید»، این قدر اشتباه است که تا زمان خلاصی از آن، مهندسی فضای شبکه‌های اجتماعی، دست یک‌عده بخصوص باقی بماند. آیا چین که نرم‌افزارهای اجتماعی بسیار مطرحی در سطح دنیا دارد به لحاظ امنیتی به نظر می‌رسد قابلیت تعامل بیشتری با ایران را داشته باشد، نمی‌تواند جایگزین تنها شبکه اجتماعی فعال در ایران، یعنی اینستاگرام باشد و یک دوره گذار را برای ما تسهیل کند و آیا نمی‌شود در خاصیت هرکدام از شبکه‌های اجتماعی تامل و دقت شود تا ببینیم چه فضای کلی و فراگیری برای جامعه ایجاد می‌کنند و فرضا درصورت خلاصی از اینستاگرام، نمونه مشابه آن را با همین خاصیت از کشوری دیگر وارد نکنیم یا خودمان نسازیم؟ توقعی که از مجلس شورای اسلامی و کمیسیون فرهنگی آن می‌رود، دقت کارشناسی و بحث‌های دقیق در این خصوص و ارائه راهکارهای مدبرانه است.

پول‌های مشکوک در حوزه هنر

چندسال است که بحث ورود پول‌های مشکوک به سینما، شبکه نمایش خانگی، تئاتر، حوزه نشر، موسیقی، گالری‌داری ونقاشی وسایر حوزه‌های فرهنگی، به‌طور جدی مطرح شده است و بدون تعارف، دولت که وظیفه داشت در مبادی ورودی سرمایه به این حوزه‌ها فیلترینگ قرار بدهد و قبل از روشن شدن منبع تحصیل مال وارائه یک توضیح واضح برای انگیزه اقتصادی سرمایه‌گذاران، اجازه ورود سرمایه آنها را نداهد، رسما می‌گوید که این کار را نمی‌کند و قبول ندارد. اگر فقط به داده‌گاه‌های بانک سرمایه توجه کنیم، مشخص می‌شود که صنعت فرهنگی ایران طی این سال‌ها چقدر به پول‌های نامشروع آلوده بوده است. محکومیت‌های رضوی، حسین هدایتی و احسان دلاویز به‌عنوان متخلفان اقتصادی پرونده بانک سرمایه و بازداشت بیش از دوسال محمد امینی در ارتباط با همین پرونده، ازجمله آن هستند. اما در همین حوزه سینما، ابراهیم داروغه‌زاده، معاون ارشزیایی و نظارت سازمان سینمایی و دبیر چندین دوره از جشنواره فیلم فجر، بحث پول‌های مشکوک در سینما را یک بحث انحرافی می‌خواند و می‌گوید: «قانون اجازه نمی‌دهد یک شهروند یا بی‌دلیل از سرمایه‌گذاری در سینما محروم کنیم. حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی در تنها نشست خبری خود طی دوران مسئولیتش، در پاسخ به سوالی که اتفاقا از جانب «فرهیختگان» به‌عنوان یک تکلیف برعهده آنها گذاشت ـ یک‌قدم بالاتر از انتظامی، عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت دوازدهم هم وقتی به مجلس قبل فراخوانده شد تا درخصوص ورود پول‌های مشکوک به سینما پاسخ بدهد، هم‌چنان مثل دو مدیر زیردستش رسما اعلام کرد که حاضر به ایجاد سازوکار شفافیت در این خصوص نیست. او به مجلسی‌ها گفت: «سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ و هنر باید مورد استقبال قرار گیرد، یعنی نباید سرمایه را از این حوزه فراری داد، چون این به نفع فرهنگ و هنر نیست. ما باید به این سمت حرکت کنیم که علاقه دارند چه شخصی، چه ملی و چه ترکیبی از این دوبه سرمایه‌گذاری در حوزه فرهنگ و هنر ترغیب شوند، اما بعضی حرف و حدیث‌ها باعث می‌شود اینها عطایش را به لقایش ببخشند.» پس از فراخوانده شدن صالحی به مجلس و ادای این پاسخ متهورانه که البته به اتفاقا محض مجلس مواجه شد، اتفاقا کسانی که به صاحبان سرمایه‌های مشکوک در سینمای ایران شهرت داشتند، با جسارت و اعتماد به‌نفس بی‌سابقه‌ای شروع به خودنمایی کردند. مثلا یکی از این افراد که رسانه‌ها از او به‌عنوان «شیخ» یاد می‌کردند و هیچ‌وقت حاضر به کوچک‌ترین توضیحی درباره خودش و دلیل فعالیت‌هایش نبود، به نشست خبری جشنواره فجر آمد تا کارگردان‌ها و بازیگرانی که با او کار کرده بودند، خبرنگاران را به کف زدن برایش دعوت کنند. قابل اشاره است که نه در ایران و نه در هیچ‌جای دیگر دنیا رسم نیست که سرمایه‌گذار یک فیلم به نشست خبری آن بیاید، اما حالا کسی که نتوانسته به شبهات واضح و محکمی علیه خودش درخصوص مسائل مالی پاسخ بدهد، پیرو سخنان وزیر فرهنگ و انفعال مجلس قبل، جرات و جسارت صدچندان برای خودنمایی پیدا می‌کند. سال ۱۳۹۷ که پرمخاطب‌ترین سال سینمای ایران در دهه ۹۰ بود، سینمای ایران مجموعا ۲۲۰ میلیارد تومان برای کل فیلم‌ها هزینه کرد و روی هم ۷۲ میلیارد تومان سود عایدش شد. با فراهم‌شدن دسترسی به آمارهای سال بعد، چون در این سال سینما مخاطبان کمتری داشت اما هزینه‌های فیلم‌ها همچنان بیشترمی‌شد. مطلق فعالان امروزی آن را شامل می‌شود)، همچنان مدعی فعالیت در بخش خصوصی هستند؛ بی‌اینکه توضیح معقولی درباره دلایل سرمایه‌گذاری شان روی پروژه‌های زیان‌ده داشته باشند